



گزارش «فرهنگستان» از خاطره‌نویسی سیاسیون

خاطره‌نویسی سیاسی هست ولی کم است



محسن صالحی‌خواه

نویسنده

نویسنده‌ی خاطرات، معمولاً یکی از گزینه‌هایی است که سیاستمداران خارجی بعد از بازنشتگی به آن روی می‌آورند. می‌نویسند از اینکه بودند و چه مسیری را طی کردند تا شدند آن آدم‌هایی که تمام کشورشان آنها را می‌شناسند. علاوه‌بر این، بالاخره بعد از بازنشتگی مخصوصاً اگر عیال‌وار باشید، خرج نوه‌هایی که آخر هفته‌ها می‌آیند پیش بابابزرگ و مامان بزرگ کمی زیاده‌تر می‌شود و مستمری عادی کفاف نمی‌دهد. بنابراین اگر روزی وزیری یا وکیل‌ی بوده‌اید و بر حسب اتفاق در جهان هم تأثیر گذاشتید، خوب است برای عواید فروش کتاب، البته خارجه را عرض می‌کنم. دست به قلم بپرید یا اگر قلم ناچیزی دارید، خاطرات‌تان را به دست یک نویسنده قهار بسپارید تا خرج نان و بوقلمون عید پاک در بیاید. در این گزارش کار زیادی به خارجه نداریم البته به آن می‌پردازیم اما اصل نگاه‌مان به داخل است. به کم لطفی برخی یا شاید اکثر مدیران کشور در رده‌ها و مناصب مختلف که شاید دوست‌اند از زندگی‌نامه‌شان بین صفحات کتاب برای آیندگان بماند.

زنده‌باد ویکی‌پدیا

بهترین راه برای پیدا کردن اینکه فلان وزیر که بوده، گشتن در شبکه جهانی اینترنت است و خب طبیعی است که موتور جست‌وجوگر گوگل به شما ویکی‌پدیا را پیشنهاد می‌کند. برای تحقیق در مورد سیاستمداران خارجی اگر دسترسی به کتاب‌شان را نداشته باشیم؛ یعنی اگر کتاب ترجمه نشده باشد یا مثل من بهره زیادی از زبان خارجی نداشته باشید، همین ویکی‌پدیا شما و ما را کفایت می‌کند. ویکی‌نویس‌های وطنی معمولاً محتوای صفحه انگلیسی را که غالباً تکمیل است به فارسی بر می‌گردانند. اما برای مدیران خودمان، حتی این بخش هم ضعیف است. اگر شخص مصاحبه‌ای کرده باشد در روزگاری دور یا آشنایی چیزی از او بداند در صفحه‌اش هم بازتاب پیدا می‌کند. اما مطالعه صفحات خارجی نشان می‌دهد بخشی از اطلاعات گردآوری شده در صفحات ویکی‌پدیا از روی زندگی‌نامه‌هایی است که نوشته شده و ریشه در کتاب‌ها دارند.

من رئیس هستم

کلی گویی را کنار می‌گذاریم. اول از خارجی‌ها می‌گوییم تا بدانیم این راه سال‌هاست بیرون مرزهای ما طی می‌شود و اتفاقاً در محدوده درون مرزهای ما هم تأثیر می‌گذارد. فرض کنید شما رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا هستید. یکی از مددود افرادی که می‌تواند دستش را فشار بدهد روی دکمه شلیک موشک‌های اتمی. همچنین شما می‌توانید بعد از اینکه ۱۱ سپتامبر اتفاق افتاد، دستور لشکرکشی به هزاران مایل دورتر را بدهید. شما که رئیس جمهور آمریکایی، بعد از پایان دوره ریاست تقریباً فراموش می‌شوی، بنیادی‌تاسیس می‌کنی و سرگرم می‌شوی. گاهی روزنامه‌نگاران می‌آیند برای مصاحبه، یا

چارسو

مکانیزه شدن فروش بلیط در همه سینماها تا پایان سال

محمد قاصد اشرفی، رئیس انجمن سینمداران کشور درباره پیوستن کشور به سامانه مکانیزه فروش بلیت گفت: «در حال حاضر حدود ۹۰ درصد سینماهای کشور مکانیزه هستند و درصد بسیار کمی از سینماهای کشور در حال حاضر مکانیزه نیستند که روند مکانیزه کردن آنها در حال انجام است. هر سینمایی که درخواست مکانیزه شدن بدهد، توسط موسسه سینماشهر حمایت شده و این موسسه کارهای لازم برای مکانیزه شده این سینماها را انجام می‌دهد.» رئیس انجمن سینمداران کشور درباره تأکیدات لازم جهت اجرای هر چه سریع‌تر مکانیزه شدن تمامی سینماهای کشور، تصریح کرد: «از ماه‌های پایانی سال ۹۶ به تمامی سینماهای کشور اعلام شد که باید به سیستم فروش مکانیزه بلیت بپیوندند؛ اما برخی از سینماهای کشور به خاطر تعمیرات و مشکلاتی که داشتند سیر پیوستن شان به این سیستم کمی کند پیش رفته است. البته مکانیزه کردن سینماها برای خود صاحبان سینما هم باعث سهولت می‌شود، چرا که به راحتی می‌توانند حساب و کتاب‌هایشان را انجام دهند.» اشرفی خاطرنشان کرد: «انجمن سینمداران به‌زودی نامه درخواستی برای حمایت از سینمدارانی که هنوز به سیستم فروش مکانیزه نپیوسته‌اند به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ارسال خواهد کرد.»

توضیحات سخنگوی ارشاد برای شائبه‌های ارائه کاغذ

همایون امیرزاده، دبیر کارگروه ساماندهی کاغذ وزارت ارشاد درباره شائبه‌های موجود در جدول منتشر شده از سوی وزارتخانه برای توزیع کاغذ توضیحاتی داده است. او درباره این ادعا که برخی ناشران عنوان می‌کنند این توزیع ناعادلانه بوده و سه شهر تهران، قم و مشهد را بیشتر تحت پوشش دارد، گفت: «ما این ادعا می‌توزیع ناعادلانه را قبول نداریم، چرا که توزیع جغرافیایی ناشران عمدتاً در این سه شهر است و در واقع بیش از ۸۰ درصد نشر کشور در این شهرها فعالیت دارند. این سامانه به تازگی کار خود را آغاز کرده و به‌زودی فراگیر خواهد شد. این شبکه به تازگی آغاز به کار کرده است، از این رو بسیاری از شهرستان‌ها از این سامانه هنوز اطلاعی ندارند. طبیعتاً ما با درخواست‌های متعدد از نقاط کشور به‌زودی مواجه خواهیم شد. کاغذهای تخصیص یافته بنا به نیاز بخشی از ناشران به ارشاد ارائه شده است، آنها به ارشاد مراجعه کردند و نیازمند کاغذ بودند، به نوعی هم سردرگم نیز بودند. از این رو خودشان اعلام کرده و ما نیز کاغذ ارائه کردیم. در آینده کاغذهای وارداتی به‌منظور استفاده از ناشران هم توزیع خواهد شد. این کاغذها واصل شده اما توزیعی صورت نگرفته است، اما چگونگی توزیع هم طبق استاندارد شبکه توزیع خواهد بود. درواقع ما ضوابط یکسانی برای توزیع داریم.»

کلاه قرمزی باز هم ساخته می‌شود؟

از زمانی که تلویزیون تصمیم گرفت «کلاه قرمزی» را در روزهای اعیاد روی آنتن ببرد نزدیک به دو سال می‌گذرد، این برنامه اکنون به پایان راه نزدیک شده و چند قسمتی بیشتر برای پخش ندارد. شبکه دو سیما از پخش قسمت جدید مجموعه «کلاه قرمزی» در شب میلاد پیامبر اکرم(ص) خبر می‌دهد. این مجموعه روز شنبه(سوم آذرماه) ساعات ۱۵ و ۲۱ به روی آنتن شبکه دو سیما خواهد رفت. قسمت ۲۲ قسمت از مجموعه «کلاه قرمزی» به شبکه دو سیما تحویل داده شده است که بیشتر قسمت‌های آن در اعیاد و مناسبت‌های شاد به روی آنتن رفته است. پیش از این و در آخرین سری که از مجموعه «کلاه قرمزی» به روی آنتن رفت، زنده‌یاد دنیا فنی‌زاده عروسک گردانی «کلاه قرمزی» را بر عهده داشت و در این سری شیمیا پخشنده جایگزین او شد. مجموعه «کلاه قرمزی» نوروز ۹۷ با عروسک‌های جدیدی از جمله خونه بغلی، موش، گربه و عروسک «داداش گلم» پخش شد. «کلاه قرمزی» کاری است از گروه کودکان و نوجوان شبکه دو سیما به تهیه‌کنندگی حمید مدرسی و اجرای ایرج طهماسب که با چند نسل از مخاطبان خود همراه بوده و لحظاتی با نشاط را همراه عروسک‌های این مجموعه به مخاطبان خود عرضه می‌کند.

جابه‌جایی در گروه فیلم و سریال «سیمیا فیلم»

مجید آخوندی معاونت سیاسی، عباس مهدوی مهر مدیرکل بازرگانی، مجید ستوده‌نیا مدیرعامل باشگاه خبرنگاران جوان، عبدالرضا بوالی مدیر شبکه خبر، سیدمهرداد سیدمهدی رئیس خبرگزاری صداوسیما و ایرج سبقتی قائم‌مقام معاونت سیاسی سازمان ۶ مدیری هستند که از ۲۶ آبان و همزمان با ابلاغ قانون منع به کارگیری بازنشستگان، حضورشان در سازمان صداوسیما امکان‌پذیر نبود. ۲۶ آبان ستوده‌نیا از باشگاه خبرنگاران جوان رفت و سه روز بعد نوبت مهدی روشن‌ران که تصدی اداره گروه فیلم و سریال مرکز سیما را به عهده داشت، رسید تا با حکم حسین کرمی، رئیس مرکز سیمیا فیلم، جای خود را به غلامرضا الماسی بدهد. الماسی پیش از این مدیریت گروه فیلم و سریال شبکه‌های سه و پنج و همچنین گروه سریال‌های تلویزیونی سیمیا فیلم را به عهده داشته است. مبنای قانون بازنشستگی در صداوسیما ۲۵ سال است که برای مردان با احتساب دو سال سربازی ۲۳ سال خواهد بود ولی با این وجود بسیاری از کارکنان سازمان صداوسیما از رومه‌ها و سوابقی بالاتر از ۲۵ سال و حتی ۳۰ سال دارند. البته بخشی از این مدیران و کارکنان از سازمان و نهادهای دیگر در صداوسیما مأمور به خدمت می‌شوند و نمی‌توان به‌طور دقیق اطلاعی از سن بازنشستگی این افراد به دست آورد.

«خاطرات و مخاطرات» در خرداد امسال چاپ و عرضه

الته در این میان اسامی‌ای داریم که یا در این عرصه نگذاشته‌اند. شاید حرفی برای گفتن نیست -در ایران همه سیاستمداران در همه موضوعات حرف برای گفتن دارند- یا ضرورتش احساس نمی‌شود. برای مثال در دوران ریاست جمهوری احمدی نژاد چندین جلد کتاب از سخنرانی‌های وی منتشر شد. به‌خصوص سخنرانی‌های رئیس جمهور سابق در آمریکا خیلی مورد توجه دستگاه نشر قرار می‌گرفت. ولی الان که آقای احمدی نژاد پنج سال است کلید اتاق دفتر ریاست جمهوری را به حسن روحانی تحویل داده، زمان خوبی داشته تا زندگی‌نامه خود را بنویسد. سوال‌های زیادی از او وجود دارد مثل برکنار کردن وزیر اطلاعات و یک ماهی که خودش سرپرست وزارت اطلاعات بود یا اصرارش بر نگه داشتن اسفندیار رحیم مشایی در دفتر ریاست جمهوری و ده‌ها سوال دیگر که جواب نمی‌دهند. شاید نوشتن یک یا چند جلد کتاب از دوره‌های مختلف زندگی، از استانداری در دولت هاشمی رفسنجانی تا شهرداری تهران و بعد ریاست جمهوری و ماجراهای بعد از آن، جایگزین مناسبی برای ویدئو‌هایی باشد که چند وقت یکبار منتشر می‌کنند.

برای تاریخ بگویم

محسن رفیق‌دوست اسم کمی در تاریخ سیاسی جمهوری اسلامی نیست. وزیر سپاه، تأمین‌کننده تجهیزات و تسلیحات در جنگ و ریاست بنیاد مستضعفان عنوان‌هایی هستند که او داشته است. رفیق‌دوست دو جلد خاطرات دارد با عنوان «برای تاریخ می‌گویم». نظامی‌ها به خاطر مساله جنگ و نگاه مثبتی که وجود دارد نسبت به ثبت خاطرات دفاع مقدس، در این زمینه پیشگام هستند. برای مثال چند جلد کتاب مثل «از جنوب لبنان تا جنوب ایران» و «از سندانج تا خرمشهر» و «ایستگاه آسمان» از جمله خاطرات سرلشکر رحیم صفوی تاکنون منتشر شده است. همچنین پیش از اینکه حاج حسین همدانی در حلب به شهادت برسد، کتاب «مهاجرت خین» از خاطرات وی منتشر شد. البته این خاطره‌نگاری بعد از شهادت وی نیز ادامه پیدا کرد اما خاطره‌نگار این بار به‌سرآه همسر شهید رفت و کتاب «خدا حافظ سالار» را عرضه کرد. «کالک‌های خاکی» عزیز جعفری هم چند سال قبل نوشته و عرضه شده است. محسن رضایی که زمان جنگ فرمانده سپاه بود هم چند عنوان کتاب درخصوص دوران دفاع مقدس و البته فرماندهان شاخصی مثل احمد متوسلیان دارد. چند جلد از خاطرات شفاهی محسن رضایی قرار است تا پایان امسال از سوی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس منتشر شود. بحث ما کتاب‌هایی که در حوزه دفاع مقدس نوشته می‌شوند، نیست. آن یک

بحث جداگانه است. منظور نظر این است که مدیران سطح یک کشور که در بخش‌های مختلف خدمت کرده‌اند، باید تجربیات خود را در اختیار نسل‌های بعدی بگذارند. بنابراین اگر بخوایم به کتاب‌های خاطرات دفاع مقدس بپردازیم یکی دو شماره از روزنامه جنگجوی ما نیست. این وقایع مثل جنگ، ترورهای ضد انقلاب در شهرها، آشوب منافقین و دیگر نقاط عطف تاریخی بخشی از وقایعی هستند که باید ثبت شوند. کسانی که در کشور در برهه‌های حساس و غیرحساس مسئولیت داشته‌اند باید مشاهدات خود را ثبت کنند و برای تاریخ بگویند.

چه کسانی باید کتاب بنویسند؟

مدیران کشور شکر خداز! لحاظ تحصیلات آکادمیک یا حوزوی چیزی کم ندارند. اگر دکتر نباشند اما مهندس هستند. در کارنامه‌هایشان هم بعضاً کتاب‌های تخصصی به چشم می‌خورد. دکتر ظریف به همراه اساتیدی چون محمدکاظم سجادیور چند عنوان کتاب تخصصی در حوزه دیپلماسی مثل «دیپلماسی چندجانبه» را به رشته تحریر درآورده است. اما در گوران انتخابات سال ۹۲ و مطرح شدن وی به‌عنوان وزیر پیشنهادی امور خارجه بود که محمدمهدی راجی کتاب «آقای سفیر» را منتشر کرد و مورد استقبال چشمگیری قرار گرفت. اگر این نگاه بین همه مدیران وجود داشت که باید تجربیات‌شان را از دوره‌های مسئولیت تا وقتی که تنور داغ است منتشر کنند، شاید دکتر ظریف چهار سال قبل‌تر از آن، خودش دست به قلم می‌شد و آقای سفیر» را می‌نوشت.

دکتر ولایتی هم باید دست به قلم شود و خاطرات ۱۶ سال وزارت خود را بنویسد. او یک‌بار کتاب «روزگاری شد» را در سال ۸۸ منتشر کرد که مربوط به اولین دوره تصدی گری وزارت امور خارجه بین سال‌های ۶۴ تا ۶۰ بود. ۱۲ سال دیگر از تاریخ دیپلماسی کشور از سوی نفر شماره یک دستگاه سیاست خارجی باید منتشر شود. زیرا برهه‌های حساسی در این دوره زمانی مثل جنگ، قطعنامه، پرونده‌های میکونوس و آمیا و قطع رابطه کشورهای اروپایی با ایران وجود داشته و باید به آنها پرداخته شود. هر جایی که ما خالی گذاشته باشیم، دشمنان ما پر می‌کنند. خاطرات دیپلمات‌ها تقریباً در جهان در حال تبدیل شدن به یک ژانر ادبی است. هیلاری کلینتون کتاب «انتخاب‌های سخت» را در این خصوص منتشر کرد و کاندولیزا رایس حداقل دو کتاب درباره زندگی سیاسی خود نوشته است. همان‌طور که جان کری تقریباً بلافاصله بعد از فراغت دست به قلم شد و کتابش را روانه بازار کرد.

ما برای ثبت در تاریخ باید شکست‌ها و پیروزی‌هایمان را به رشته تحریر دریاوریم اما مقاومتی در برابر این مساله وجود دارد. اول یک مثال برایتان می‌زنم تا عمق مساله مشخص شود و بعد گزارش را به پایان

می‌رسانم. این مساله که باید دیپلمات‌ها خاطرات و تجربیات خود را ثبت کنند، بسیار با اهمیت است. من نه به‌عنوان یک روزنامه‌نگار بلکه به‌عنوان یک نویسنده حدود دو سال است در تلاش هستم تا جواد وعیدی، رئیس تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای در زمان علی‌لاریجانی را متقاعد کنم که بنشیند و از مذاکرات سخت در آن دوران بگوید. اما وعیدی قبول نمی‌کند در حالی که بخشی از تاریخ دیپلماسی هسته‌ای ما در ذهن او جا گرفته و باید به جامعه و نسل‌های بعدی منتقل شود.

چرا باید کتاب بنویسیم؟

بی‌تعارف باید به این مساله اعتراف کنیم که وقتی پای دستگاه‌های حکومتی در حوزه فرهنگ به میان می‌آید، مثلاً وقتی پشت جلد یک کتاب نوشته می‌شود سازمان انتشارات فلان وزارتخانه، به خودی خود مخاطبان کار ریزش می‌کنند. اولاً وقتی یک سازمان دست به چاپ کتاب می‌زند، تلاش زیادی برای فروش آن نمی‌کند مگر وقتی که غرفه‌ای در نمایشگاه کتاب داشته باشند. بنابراین کتاب محدود می‌شود. سازمان‌هایی مانند وزارت امور خارجه نباید مستقیماً به این حوزه ورود کنند، بلکه باید پشتیبان و ناظر بر کار باشند تا انتشارات‌های خصوصی که علاقه‌مند به این حوزه هستند پای کار بیایند. مثال کتاب خاطرات آقای خرازی شاید خوب باشد. «خاطرات و مخاطرات» از سوی کتابخانه ملی در تیراژ ۱۰ هزار کدنی ۵۰۰ نسخه منتشر شد. این ۵۰۰ نسخه که احتمالاً بخشی از آنها در یک همایش اهدا شده، کدام بخش از تاریخ و عطش علاقه‌مندان به این حوزه را خاموش می‌کند و آیا می‌شود هشت سال وزارت امور خارجه کمال خرازی به اضافه دوران کودکی و انقلاب و تحصیل در آمریکا را در ۲۵۰ و چند صفحه خلاصه کرد؟ نگاه به حوزه کتاب بین سیاستمداران باید تغییر کند. نوشتن کتاب‌های زندگی‌نامه و خاطرات چند مزیت دارد؛ انتقال تجربه به نسل‌های سیاستمداران بعدی البته اگر نسل‌های قبلی بازنشسته شوند. مرور شکست‌ها و پیروزی‌ها، تلاش‌ها و طرح‌هایی که برای بهتر اجرا شدن امور کشور تهیه می‌شود و آشنا شدن مردم با اینکه اصلاً یک مدیر یا وزیر یا رئیس جمهور دقیقاً به چه کاری مشغول هستند. آیا فقط شعار می‌دهند یا واقعا وظایفی برعهده دارند. وقتی مردم در سینما یا تلویزیون یک رئیس جمهور یا وزیر-به غیر از سریال گسل-یا نماینده مجلس نمی‌بینند، اصلاً نمی‌دانند در دولت یا در پارلمان این کشور چه خبر است!

از هرچشمی که این موضوع را نگاه کنیم، حتی برای ثبت ساهد در تاریخ هم سیاستمداران باید کتاب بنویسند. وقتی نگانم، دوربرد باشد، ضرورت این موضوع را درک می‌کنیم که اگر کتاب «زندگی من» بیل کلینتون دو سه بار ترجمه می‌شود و مخاطبان ایرانی از آن استقبال می‌کنند، کتاب خاطرات یک رئیس جمهور سابق ایرانی؛ یعنی رئیس جمهور کشوری که مدعی است در نظام بین‌الملل حرفی برای گفتن دارد به زبان‌های مختلف در کنافروشی‌های بزرگ دنیا نباید جایی داشته باشد. کتاب‌ها بر خلاف ظاهر ساده‌شان، نقش بزرگی در این دنیا ایفا می‌کنند.